

## پیام چهار

### شناختن مسیح و قدرت رستاخیز او

مطالعه متون مقدس: فیلیپیان ۳: ۱۰، ۱۲-۱۴؛ یوحنا ۱۱: ۲۵؛  
اعمال ۲: ۲۴؛ ۲ قرنیتیان ۱: ۸-۹؛ مکاشفه ۱: ۱۷-ب-۱۸؛ ۲: ۸

#### ۱. پولس آرزو داشت مسیح را بشناسد - فیلیپیان ۳: ۱۰:

آ. موضوع مرکزی در کتاب فیلیپیان، شناخت و تجربه باطنی از مسیح است - ۲: ۲، ۵؛ ۳: ۷-۱۰؛ ۴: ۱۰، ۱۳.

ب. داشتن فضیلت معرفت [برتری شناخت] مسیح در فیلیپیان ۳: ۸ توسط مکاشفه است، ولی شناخت او در آیه ۱۰ توسط تجربه می باشد.

پ. برتری شناخت مسیح، برتری مسیح است که توسط ما پی برده می شود - آ. ۸.

ت. پولس ابتدا مکاشفه مسیح را دریافت کرد، سپس جویای تجربه مسیح بود - تا مسیح را به طریق تجربی شناخته و از او مسرت ببرد.

ث. کلمه «معرفت [شناخت]» در فیلیپیان ۳: ۱۰ برابر با «تجربه» است:

۱. شناخت مسیح به معنای تجربه او، مسرت از او، شراکت در او، و سهم بردن از اوست - آ. ۹-۱۰.

۲. بنابراین شناخت مسیح به معنای درک او توسط تجربه کردن اوست - آ. ۸.

ج. شناخت مسیح صرفاً داشتن معرفت در مورد او نیست، بلکه کسب کردن شخص اوست - آ. ۸؛ ۲ قرنیتیان ۲: ۱۰؛ ر. ک. کولسیان ۲: ۹، ۱۶-۱۷:

۱. کسب کردن چیزی، مستلزم پرداختن بها است - فیلیپیان ۳: ۷-۸.

۲. کسب کردن مسیح به معنای تجربه کردن، مسرت بردن و تصرف غنای کاوش ناپذیر او توسط پرداختن بها است - افسسیان ۳: ۸؛ ر. ک. مکاشفه ۳: ۱۸.

۳. زندگی مسیحی، زندگی کسب کردن مسیح در شامل-تمام بودن اوست - افسسیان ۳: ۸:

(آ) اگرچه پولس مسیح را بسیار تجربه و کسب کرده بود، ولی گمان نمی کرد که او را به

طور کامل تجربه یا به حد اعلا کسب کرده است - فیلیپیان ۳: ۱۲.

(ب) پولس همچنان به سوی هدف - کسب کردن مسیح به حد کمال - پیش می رفت - آ. ۱۲-۱۴.

۴. پولس برای کسب کامل مسیح، نه تنها تجربه خود را در یهودیت رها کرد، بلکه در تجارب گذشته خود از مسیح نیز پرسه نمی زد - آ. ۷-۸، ۱۳:

(آ) فراموش نکردن، بلکه پرسه زدن در تجارب گذشته خود، هر چقدر اصیل بودند،

پیگیری ما از مسیح را درمانده می کند - آ. ۱۳؛ عبرانیان ۶: ۱۱.

(ب) چون مسیح به طور کاوش ناپذیر غنی است، و ناحیه وسیعی از غنای او برای تصرف وجود دارد، پولس خود را به جلو می کشید تا به دورترین حد از این ناحیه برسد -

افسیان ۳: ۸؛ فیلیپیان ۳: ۱۳.

ج. شناخت مسیح، نتیجه یافت شدن در اوست - آ. ۹-۱۰:

۱. آن عدالت «که بوسیله ایمان مسیح می شود، یعنی عدالتی که از خدا بر [اساس] ایمان است»، باعث شد که پولس مسیح را بشناسد - آ. ۹.

۲. عدالتی که با تلاش خود به عمل می رسانیم باعث نمی شود که مسیح را بشناسیم؛ هر چه بیشتر با تلاش خود انجام دهیم، کمتر مسیح را می شناسیم - آ. ۹.

#### ۲. پولس آرزو داشت قدرت رستاخیز مسیح را بشناسد و تجربه کند - آ. ۱۰:

آ. قدرت رستاخیز مسیح، حیات رستاخیز اوست که او را از مردگان برخیزانید - افسسیان ۱: ۱۹-۲۰.

ب. خود مسیح، رستاخیز است - یوحنا ۱۱: ۲۵:

۱. «من هستم اول و آخر و زنده؛ و مرده شدم و اینک تا ابدالابد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات [هاویه] نزد من است» - مکاشفه ۱: ۱۷ ب-۱۸:  
(آ) به دلیل سقوط، مرگ وارد شد و اکنون در حال کار است تا همه را در هاویه جمع کند.  
(ب) کلیدهای مرگ و هاویه در دست منجی ماست که مرد و رستاخیز کرد - آ. ۱۸.
۲. «این را می گوید آن اول و آخر که مرده شد و زنده گشت» - ۲: ۸:  
(آ) «زنده گشت»، به رستاخیز اشاره دارد.  
(ب) خداوند دستخوش مرگ شد و دوباره زنده گشت؛ او وارد مرگ شد، ولی مرگ نتوانست او را نگه دارد زیرا او رستاخیز است - اعمال ۲: ۲۴؛ یوحنا ۱۱: ۲۵.  
(پ) مسیح به هاویه رفت، از مرگ گذشت، بر مرگ غلبه کرد، و فاتحانه از مرگ بیرون آمد؛ این رستاخیز است - ر. ک. ۱ پطرس ۳: ۱۸-۲۲.
۳. رستاخیز بدین معناست که مردی - خداوند عیسی ما - موانع، حتی بزرگترین مانع - مرگ - را شکسته است - اعمال ۲: ۲۴؛ افسسیان ۱: ۱۹-۲۰:  
(آ) رستاخیز خداوند تمام موانع قلمرو طبیعی را شکست. از این رو، عیسی دیگر مقید به هیچ چیز، از جمله مکان و زمان نیست - ر. ک. یوحنا ۷: ۶-۸.  
(ب) بزرگترین محدودیت های ما، مکان و زمان هستند، ولی این دو مورد نمی توانند مسیح رستاخیز کرده را محدود کنند.  
(پ) مرگ بزرگترین محدودیت است، اما رستاخیز مرگ را فتح کرده است. بنابراین، رستاخیز بزرگترین قدرت است - فیلیپیان ۳: ۱۰؛ افسسیان ۱: ۱۹-۲۰.
- پ. رستاخیز، حیاتی است که بر مرگ غلبه می کند، بدون اینکه توسط مرگ آسیب یا صدمه ببیند مرگ - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ مکاشفه ۱: ۱۷ ب-۱۸؛ ۲: ۸:
  ۱. مرگ، از انجام کاری با حیات رستاخیز، ناتوان است - اعمال ۲: ۲۴.
  ۲. مرگ می تواند انواع آسیب ها را به دیگر اشکال حیات وارد کند؛ فقط یک نوع حیات نمی تواند توسط مرگ لطمه بخورد، و این، حیات رستاخیز است - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ فیلیپیان ۳: ۱۰:  
(آ) رستاخیز، حیاتی است که از مرگ می گذرد و نمی تواند توسط آن نگه داشته شود.  
(ب) بر طبق مکاشفه کامل متون مقدس، خود خدا همان حیات رستاخیز است - رومیان ۴: ۱۷.
- ت. آن روح، واقعیت رستاخیز مسیح و قدرت آن است - ۸: ۹-۱۱؛ ۱: ۱۵؛ ۴۵ ب؛ ۱: ۵؛ ۶:
  ۱. برای تجربه حیات رستاخیز مسیح، ما باید ببینیم که مسیح در رستاخیز تبدیل به روح حیات بخش شد - ۱: ۱۵؛ ۴۵ ب.
  ۲. بالاترین مفهوم رستاخیز این است که [رستاخیز] فرآیندی است که توسط آن مسیح، آدم آخر، روح حیات بخش شد.
  ۳. رستاخیز مسیح، تبدیل او به درون روح حیات بخش بود تا وارد ایماندارانش شود - آ. ۴۵ ب؛ یوحنا ۲۰: ۲۲.
- ث. اصل رستاخیز این است که حیات طبیعی کشته شده، و به جای آن، حیات الهی بر می خیزد - ۲: ۱؛ ۸-۹:
  ۱. آنچه از مرگ عبور می کند و همچنان باقی می ماند، رستاخیز است - مکاشفه ۲: ۸.
  ۲. رستاخیز، امری است که از مرگ برآمده است و فراتر از قلمرو طبیعی می باشد - اعمال ۲: ۲۴.
  ۳. رستاخیز بدین معناست که هیچ رویداد یا شرایطی نمی تواند باعث شود ما، که دارای حیات رستاخیز مسیح هستیم، پایین نگه داشته شویم - ۲: ۱؛ ۸-۹.
  ۴. در رستاخیز بودن به این معناست که حیات طبیعی ما مصلوب است و آن بخش از وجودمان که توسط خدا آفریده شده است، در رستاخیز رفعت می یابد تا با مسیح در رستاخیز یک باشد - رومیان ۶: ۴-۶.

۵. وقتی توسط حیات طبیعی خود زندگی نمی‌کنیم، بلکه توسط حیات الهی درون خود زندگی می‌کنیم، در رستاخیز هستیم - یوحنا ۶: ۵۷؛ رومیان ۸: ۱۱.